

پایه ۱۲

کلیه رشته‌ها

۲۰۲۲ بهار خط‌سطحید



فارسی ۳

دکتر ثریا مؤمنی، علی‌اکبر رمضانی

حالا که کنکور سراسری و تأثیر سوابق تحصیلی در ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خیلی مهم شده، برای شما دانش آموزان عزیز منبعی مطمئن برای یادگیری و آموزش مؤثر و سنجش و ارزیابی هرفمنز فراهم کرده‌ایم تا موفقیتتان را جت کسب نمره عالی (۳۰) در آزمون‌های پایانی و نهایی تضمین کند.

سیگنال بگیر تا بیست برو!

درباره کتاب

مجموعه کتاب‌های سیگنال ۲۰ خط سفید برای تمام دروس پایه دوازدهم در ۳ رشته تحصیلی علوم تجربی، علوم انسانی و ریاضی و فیزیک برای شما عزیزان آماده‌سازی شده که شامل ۵ بخش اصلی است:

۱. آموزش (درس‌نامه کاملاً کاربردی)

محتوای تألیفی درس‌نامه‌ها شامل تمام مطالب آموزشی مهم، کاربردی، مفاهیم اساسی و نکات کلیدی کتاب درسی است که موجب تسهیل فرایند یادگیری می‌شود و امکان مرورهای سریع و مانا، همچنین جمع‌بندی‌های دوره‌ای را در طول سال تحصیلی برای شما فراهم می‌سازد.

۲. سنجش (سؤالات امتحانی و احتمالی)

به منظور بالا بردن سطح توانایی و مهارت دانش آموزان پایه دوازدهم برای پاسخ‌گویی کامل و درست به پرسش‌های آزمون‌های گوناگون و تقویت یادگیری، سؤالاتی در تیپ و قالب‌های متنوع تألیفی-احتمالی گردآوری و تألیف گردیده است که با تمرین و تکرار مداوم این سؤالات، امکان شناخت نقاط قوت و ضعف دانش آموزان در درس‌های مختلف فراهم می‌شود.

۳. نمونه سؤالات امتحانی نوبت اول و نوبت دوم (پایانی)

علاوه بر مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده، آزمون‌های تألیفی-احتمالی نوبت اول (دی ماه) آزمون‌های تألیفی-احتمالی نوبت دوم (خرداد ماه)، آزمون‌های شبه‌نهایی کشوری (از سوی وزارت آموزش و پرورش) و آخرین آزمون نهایی خرداد ماه، برای بررسی و ارزیابی میزان یادگیری و ارتقاء هر چه بیشتر توانمندی دانش آموزان عزیز و کسب نتیجه عالی، فراهم شده است.

۴. پاسخ‌نامه تشریحی آموزشی

جهت تقویت یادگیری و کاهش حداکثری خطاها و اشتباهات احتمالی دانش‌آموزان، پاسخ‌نامه کاملاً تشریحی و آموزشی سؤالات در پایان کتاب آمده است.

۵. کیو آرکد

جدیدترین سؤالات امتحان نهایی، به همراه راهنما و پاسخ‌نامه تشریحی آموزشی در آخر کتاب، گنجانده شده است.

فهرست

فصل یکم	فصل سوم	فصل پنجم	فصل هفتم
ستایش ۳	درس ششم ۲۹	درس دهم ۶۱	درس چهاردهم ۸۶
درس یکم ۴	درس هفتم ۳۲	درس یازدهم ۶۳	درس پانزدهم (آزاد) ۹۲
درس دوم ۹	سؤالات فصل سوم ۳۶	سؤالات فصل پنجم ۶۸	درس شانزدهم ۹۲
سؤالات فصل یکم ۱۲	پاسخنامه ۱۴۰	پاسخنامه ۱۴۲	سؤالات فصل هفتم ۱۰۰
پاسخنامه ۱۳۸			پاسخنامه ۱۴۴
فصل دوم	فصل چهارم	فصل ششم	فصل هشتم
درس سوم ۱۶	درس هشتم ۴۰	درس دوازدهم ۷۱	درس هفدهم ۱۰۶
درس چهارم (آزاد) ۱۹	درس نهم ۴۴	درس سیزدهم ۷۶	درس هجدهم ۱۰۸
درس پنجم ۱۹	سؤالات فصل چهارم ۵۰	سؤالات فصل ششم ۸۱	نیایش ۱۱۲
سؤالات فصل دوم ۲۵	پاسخنامه ۱۴۱	پاسخنامه ۱۴۳	سؤالات فصل هشتم ۱۱۲
پاسخنامه ۱۳۹			پاسخنامه ۱۴۶

تاریخ ادبیات	امتحانات نوبت اول	پاسخ‌نامه تشریحی	سؤال	پاسخ‌نامه تشریحی	سؤال
در یک نگاه ۱۱۸	امتحان شماره ۱ ۵۴	۱۴۷	۱۲۱	خردادماه ۱۴۰۳ ۱۴۹	۱۴۹
سؤالات ۱۱۹	امتحان شماره ۲ ۵۸	۱۴۸	۱۲۵	مردادماه ۱۴۰۳ ۱۵۰	۱۵۰
پاسخنامه ۱۲۰			۱۲۹	دی‌ماه ۱۴۰۳ ۱۵۱	۱۵۱
			۱۳۳	خردادماه ۱۴۰۴ ۱۵۲	۱۵۲
			-	کیوآرکد آزمون ۱۵۲	۱۵۲



قلمرو فکری: خداوند، تو را ستایش می‌کنم زیرا تو پاک و پروردگار هستی و تنها به همان راهی می‌روم که تو آن را به من نشان می‌دهی. [تو راهنمای من هستی]

مفهوم ذکر پاکی و راهنما بودن خداوند

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

قلمرو زبانی: همه: قید تأکید/ درگاه: آستان/ فضل: بخشش و احسان/ پویدن: حرکت به‌سوی مقصدی برای به دست آوردن، تلاش، رفتن/ مرجع ضمیر «تو» خداوند است/ زمان فعل‌های «جویم، پویم و گویم»: مضارع اخباری است.

قلمرو ادبی: همه درگاه تو جویم: تلمیح به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»/ همه توحید تو گویم: تلمیح به آیه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»/ جویم، پویم و گویم: جناس ناهمسان اختلافی و سجع/ تو و همه: تکرار/ واج آرایی «ت».

قلمرو فکری: تنها به درگاه تو روی می‌آورم و تنها از لطف و کرم تو هرچه بخواهم آرزو می‌کنم. فقط تو را به یگانگی یاد می‌کنم، زیرا که تنها تو شایسته خدایی و یگانگی هستی.

مفاهیم روایات این شکلی آوردم تا بهتر تو زهدنت بشینه

مفهوم ستایش خداوند و جست‌وجوی او

تو حکیمی تو علیمی تو کریمی تو رحیمی تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

قلمرو زبانی: نماینده: نشان‌دهنده/ فضل: بخشش/ ثنا: ستایش/ بیت شش جمله دارد. جمله‌ها گذرا به مسند هستند.

قلمرو ادبی: واج آرایی مصوّت بلند (ای) و صامت «ت»/ «تو»: تکرار/ مصراع اول: مراعات نظیر، سجع در مصراع اول.

قلمرو فکری: تو حکیم، دانا، بخشنده و مهربان هستی تو عامل و نمایانگر فضل و بخشش و بنده‌نواز و شایسته ستایش هستی.

مفهوم بیان صفات و ویژگی‌های خداوند

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبه تو جستن که تو در وهم نیایی

قلمرو زبانی: بیت چهار جمله دارد/ وهم: خیال و گمان/ شبه: مانند، همسان/ نتوان گفتن: نمی‌توان گفت (فعل بدون شخص)/ شبه: مانند و مثل؛ جمع آن اشباه است/ وهم: پندار، خیال

قلمرو ادبی: فهم و وهم: جناس/ واج آرایی صامت «ن»/ تلمیح به آیه «اللَّهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»

قلمرو فکری: تو را نمی‌توان توصیف کرد زیرا تو بزرگ‌تر از فهم و درک انسان هستی و کسی را نمی‌توان به تو مانند کرد. (شبیهی برای تو نمی‌توان یافت) زیرا از حیطه خیال و تصوّر انسان بیرون هستی.

مفهوم ناتوانی شاعر در توصیف خداوند

همه عزی و جلالی همه علمی و یقینی همه نوری و سروری همه جودی و جزایی

قلمرو زبانی: همه: قید تأکید/ عزّ، ارجمندی، مقابل ذلّ/ جود: بخشش/ جزا: پاداش در کار نیک/ بیت هشت جمله است.

قلمرو ادبی: همه: تکرار/ تلمیح به آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»/ واج آرایی مصوّت بلند «ی»

فصل یکم

ادبیات تعلیمی

دورس نامه

ستایش

شروع کتاب فارسی با ابیاتی هست که در ستایش و سپاس از خداوند هست. اما چرا؟ دلیلش این‌که گذشتگان ما بر این باور بودن که آن‌که کارها را با نام خدا آغاز کنن، باعث آسون شدن مراحل انجام اون کار می‌شه و خداوند توان بیشتری بهشون می‌ده. به همین دلیل پیش از شروع نوشته‌های ادبی و حتّی علمی، نثر یا شعری در ستایش خداوند و نعت پیامبر و بزرگان دین می‌آوردن که بهش تحمید می‌گفتن. شعر «ستایش» از حکیم سنایی برای کتاب فارسی ۳ در حکم همون تحمیدیه‌های متون گذشتگان هست.

حکیم سنایی: شاعر قرن ششم. **قالب شعری:** قصیده. **لحن:** ستایشی
قصیده: ابیاتی هم وزن که مصراع اول بیت باتمام مصراع‌های دوم ابیات هم قافیه است
و حداقل ابیات ۴ ابیت است.
وزن شعر: فعلاتن فعلاتن فعلاتن (رشته انسانی)

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی

قلمرو زبانی: ملک: پادشاه، خداوند، ملکا: منادا/ ذکر: به یاد آوردن، دعا/ بیت دارای شش جمله است.

نکته

هرگاه در عبارتی منادا داشته باشیم حذف فعل بنا بر **قرینه معنوی** است.

نکته

توأم راه نمایی دو گونه خوانده می‌شود

- ۱- تو راهنمای من هستی در این صورت «م» نقش مضاف‌الیه دارد.
- ۲- تو راه را به من نشان می‌دهی در این صورت «م» نقش متمم دارد.

قلمرو ادبی: کل بیت تلمیح دارد به سوره حمد

گلستان: سعدی، شاعر و نویسنده قرن هفتم، شعر، مسجع و آهنگین، نوع ادبی، تعلیمی

مَنْتِ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

قلمرو زبانی: مَنّت: سپاس، ستایش، نیکویی / قربت: نزدیکی، با غربت که به معنی دوری است، «هم‌آوست» / شکر: متمم با دو حرف اضافه / مزید: زیاد شدن، فراوانی / حذف فعل «است» به قرینه لفظی بعد از نعمت / نوع «را» حرف اضافه

قلمرو ادبی: قربت و نعمت: سجع متوازی / تلمیح به آیه ۷ سوره ابراهیم: لئن شکرْتُم لَأَزِيدَنَّکُم

قلمرو فکری: حمد و ستایش مخصوص خداوند بزرگ و بلندمرتبه‌ای است که اطاعت و عبادت او باعث نزدیکی به اوست و شکر گزاری نعمت‌هایش سبب زیاد شدن نعمت‌هاست.

هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّج ذات

قلمرو زبانی: حیات: زندگی / ممدّ: یاری‌رسان / مفرّج: شادی بخش / حذف فعل «است» به قرینه لفظی

قلمرو ادبی: حیات و ذات سجع / فرو می‌رود و برمی‌آید: تضاد

قلمرو فکری: هر نفسی که می‌کشیم (دم) یاری کننده زندگی است و زمانی که این نفس بیرون می‌آید (بازدم) شادی بخش وجود است.

پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

قلمرو زبانی: ترکیب وصفی: هر نفس، دو نعمت، هر نعمت / حذف فعل «است» در جمله دوم به قرینه لفظی

قلمرو فکری: بنابراین در هر بار نفس کشیدن دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی، شکر واجب است.

از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به درآید

قلمرو زبانی: برآید فعل پیشوندی / که: ضمیر پرسشی و مضاف‌الیه / «ش» در شکرش: مضاف‌الیه

قلمرو ادبی: استفهام انکاری: از دست و زبان که برآید یعنی از دست و زبان کسی بر نمی‌آید / دست و زبان: مراعات نظیر و مجاز از قدرت و سخن / که (چه کسی) و که (حرف ربط): جناس همسان / برآید و درآید: جناس ناهمسان

قلمرو فکری: هیچ‌کس قادر نیست خداوند را آن‌چنان‌که شایسته است در عمل و یا از طریق گفتار شکر بگوید.

مفهوم: ناتوانی و عجز انسان در شکرگزاری خداوند

اعملوا آل داود شکراً و قلیل من عبادی الشکور

قلمرو ادبی: «تضمین»: بخشی از آیه ۱۳ سوره سبا

قلمرو فکری: ای خاندان داود شکر خداوند را به‌جای آورید درحالی‌که تعداد کمی از بندگان من شکور (بسیار سپاسگزار) هستند.

بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد

و ر نه سزاوار خداوندی‌اش / کسی نتواند که به‌جای آورد

قلمرو زبانی: حذف فعل «است» به قرینه معنوی بعد از «به» / «اش»: مضاف‌الیه / تقصیر: گناه، کوتاهی

قلمرو ادبی: قالب شعر: بیت دوم واج‌آرایی مصوّت بلند «ا» دارد.

قلمرو فکری: تو سراسر عزّت و ارجمندی و علم و یقین هستی و وجود تو سراسر نور و شادی بخش است؛ تو بخشنده و پاداش‌دهنده هستی.

همه جودی و جزایی تناسب معنایی دارد با «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده»

مفهوم: بیان ویژگی‌های خداوند

همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی

قلمرو زبانی: بیت چهار جمله دارد / همه در اینجا صفت مبهم است / کمی: نقصان / فزایی: مضارع اخباری / بیشی و کمی؛ بکاهی و فزایی: تضاد

قلمرو ادبی: غیب و عیب: جناس ناهمسان / همه غیبی تو بدانی: تلمیح به الله عالم الغیب و الشّهادة / همه عیبی تو بپوشی: تلمیح به ستار العیوب بودن خداوند / مصراع دوم: تلمیح به «تُعْزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدْلُ مَنْ تَشَاءُ»

قلمرو فکری: تو نسبت به همه غیب‌ها آگاه هستی، عیب‌ها و نقص‌های بندگان را می‌پوشانی و همه کم‌وزیاد شدن‌ها (عزّت بخشیدن بندگان یا خوار کردن آن‌ها) به دست توست.

مفهوم: ستار العیوب و عالم الغیب بودن خداوند، قادر مطلق بودن خداوند

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بُوَدش روی رهایی

قلمرو زبانی: مگر: قید تمنا و آرزو / روی رهایی: امکان نجات یافتن / «ش» در «بودش» نقش متمم دارد / لب و دندان: تناسب / روی: نهاد / بُوَد: فعل غیر اسنادی به معنای وجود داشتن

قلمرو ادبی: لب و دندان: مجاز از تمام وجود / «آتش، دوزخ»: «لب، دندان»: مراعات نظیر / روی: مجاز از امید / روی: ایهام تناسب: معنی اول آن در بیت «امکان» است و در معنی دوم (صورت) با «لب و دندان» تناسب دارد. (ایهام تناسب ویژه رشته انسانی است.)

قلمرو فکری: همه وجود سنایی فقط تو را به یگانگی یاد می‌کند و امیدوار است شاید که بدین سبب از آتش جهنم رهایی داشته باشد.

مفهوم: اقرار به یگانگی خداوند و امید به لطف او

نکته

منادا: در دستور زبان، «منادا» کسی یا چیزی است که خطابش می‌کنیم. «منادا» اسم است و در جمله نقش ندایی دارد. حرف ندا کدم‌اند (آی، ای، یا، ا)

نکته: گاهی «منادا» به قرینه معنوی از جمله حذف می‌شود. مانند بیت:

ای همه هستی ز تو پیدا شده / خاک ضعیف از تو توانا شده

ای (خدایی) منادای محذوف

ای نام تو بهترین سر آغاز / بی نام تو نامه کی کنم باز

ای (خدایی) منادای محذوف

نکته مهم

منادا چه با نشانه و چه بی‌نشانه بیاید و چه فقط نشانه ندا تنها بیاید یک جمله محسوب می‌شود.

قلمرو فکری: بنده بهتر است به خاطر کوتاهی در عبادت از درگاه خداوند طلب عفو کند و گرنه کسی نمی‌تواند آن‌طور که شایسته خدایی اوست حمد و ستایش او را به‌جا آورد.

مفهوم توبه از گناهان و ناتوانی در سپاسگزاری

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌درغش همه‌جا کشیده.

قلمرو زبانی: بعد از رسیده و کشیده، فعل «است» به قرینه معنوی حذف شده‌است. زمان هر دو فعل: ماضی نقلی / خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده / «را» در «همه را رسیده»: حرف اضافه به معنی «به»

قلمرو ادبی: باران رحمت: اضافه تشبیهی / خوان نعمت: اضافه تشبیهی / «رسیده» و «کشیده»: سجع

قلمرو فکری: رحمت و بخشش بی‌انتهای خداوند همچون بارانی است که به همه موجودات هستی رسیده و نعمت‌های فراوان الهی همچون سفرهای بدون مضایقه (با بخشندگی) همه جای هستی پهن شده‌است و همه موجودات از آن بهره می‌برند.

مفهوم رحیم بودن و رزاق بودن خداوند

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

قلمرو زبانی: ناموس: آبرو، شرافت / فاحش: آشکار / وظیفه: مقرری، وجه معاش / منکر: زشت، ناپسند

قلمرو ادبی: پرده ناموس: اضافه تشبیهی / وظیفه روزی: اضافه تشبیهی / نذر و نبرد: سجع / پرده دیدن: کنایه از آبروی کسی را بردن

قلمرو فکری: آبروی بندگان را به سبب گناهان آشکار نمی‌برد و رزق و روزی معین آنان را به سبب اشتباهات زشت‌شان قطع نمی‌کند. (جمله اول به ستارالعیوب بودن خداوند و جمله دوم به رزاق بودن خداوند اشاره دارد.)

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

قلمرو زبانی: را: حرف اضافه به معنی «به» / بنات: ج بنت، دختران / نبات: گیاه، رستنی / مهد: گهواره / بگسترد و بدهد: مضارع التزامی

قلمرو ادبی: فراش باد صبا: اضافه تشبیهی، به باد صبا گفته فرش ... بگسترد: تشخیص / فرش زمردین استعاره مصرحه از سبزه / دایه ابر بهاری: اضافه تشبیهی / ابر بهاری را فرموده: تشخیص / بنات نبات: اضافه تشبیهی / مهد زمین: اضافه تشبیهی / فراش و فرش: جناس ناهمسان / فراش، فرش و بگسترد: مراعات نظیر / بگسترد و بپرورد: سجع

قلمرو فکری: خداوند به باد صبا که همچون فراش است فرموده تا فرشی از جنس سبزه‌ها را در طبیعت پهن کند و به ابر بهاری که چون دایه‌ای است فرموده، گیاهان را که همچون دختران کوچکی هستند در گهواره زمین پرورش بدهد.

درختان را به خلعت نوروزی قبا سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده

قلمرو زبانی: خلعت: لباسی گران‌بها که بزرگی به کسی می‌بخشد / قبا: جامه، لباسی بلند، جلو باز و بدون دکمه که روی لباس‌ها می‌پوشند / موسم ربیع: فصل بهار / «را» در دو جمله بالا فک اضافه است: قبا سبز ورق در بر درختان، کلاه شکوفه بر سر اطفال شاخ

قلمرو ادبی: قبا سبز ورق، اطفال شاخ و کلاه شکوفه: اضافه تشبیهی / قدوم موسم ربیع: اضافه استعاری و تشخیص

قلمرو فکری: خداوند در فصل بهار، به‌عنوان هدیه نوروزی برگ‌ها را همچون لباس سبزی بر تن درختان پوشانده است و به سبب فرارسیدن فصل بهار کلاهی از جنس شکوفه بر سرشاخه‌ها که همچون کودکان هستند نهاده است.

عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

قلمرو زبانی: فعل «است» بعد از شده و گشته به قرینه معنوی حذف شده است / عصاره: افشره، شیر / فایق: برگزیده، برتر / باسق: بلند، بالیدن

قلمرو ادبی: فایق و باسق: سجع / عصاره، شهد: تخم خرما، نخل: مراعات نظیر

قلمرو فکری: شیره درخت انگور با قدرت خداوند به شیرینی برتر تبدیل شده و هسته خرما به‌واسطه پرورش او به نخل بلندی تبدیل گشته است.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

قلمرو ادبی: مراعات نظیر در مصراع اول و تشخیص / کف: مجاز از دست / به کف آوردن: کنایه از تهیته کردن / نان: مجاز از روزی

قلمرو فکری: همه پدیده‌های هستی از جمله ابر و باد و ماه و خورشید و آسمان در حال کار و فعالیت هستند تا تو بتوانی روزی خود را به دست آوری و آن را با غفلت و بی‌خبری استفاده نکنی.

مفهوم غافل نبودن از یاد خداوند

همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری

قلمرو زبانی: از بهر: حرف اضافه، به‌خاطر / فعل اسنادی «هستند» در مصراع اول به قرینه معنایی حذف شده‌است. / فرمان‌بردار: معطوف به مسند / در مصراع دوم «تو فرمان‌بری» جمله وابسته و «شرط انصاف نباشد» جمله هسته.

قلمرو فکری: همه پدیده‌های هستی به خاطر تو سرگشته و فرمان‌بردار هستند و وظیفه‌شان را به‌خوبی انجام می‌دهند بی‌انصافی است که تو از خداوند اطاعت نکنی.

مفهوم واجب بودن فرمان‌برداری از خداوند

در خبر است از سرور کائنات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان، محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله و سلم

قلمرو زبانی: خبر: حدیث / مفخر: مایه افتخار، هر چه بدان فخر کنند / بنات: کائنات / موجودات / صفوت: برگزیده / تتمه: باقی مانده، مایه کمال / مصطفی: برگزیده / محمد مصطفی: بدل

قلمرو ادبی: رحمت عالمیان تلمیح به آیه: و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین

قلمرو فکری: در حدیث است از پیامبر که سرور هستی و مایه افتخار موجودات و سبب رحمت و بخشایش بر جهانیان و برگزیده انسان‌ها و مایه تمامی و کمال گردش روزگار، حضرت محمد که درود و سلام خداوند بر او و خاندان پاکش باد.

شفیع مطاع نبی کریم / قسم جسیم نسیم وسیم

قلمرو زبانی: قسم: صاحب جمال / جسیم: خوش اندام / نسیم: خوش بو / وسیم: دارای نشان پیامبری / مطاع: فرمان‌روا / نبی: پیام‌آور / کریم: بخشنده

قلمرو ادبی: قسم، جسیم نسیم وسیم: جناس ناهمسان / واج‌آرایی صامت «س»

قلمرو فکری: پیامبر، شفاعت کننده، فرمان‌روا، پیام‌آور و بخشنده، صاحب‌جمال، خوش‌اندام، خوش‌بو و دارای نشان پیامبری است.

بَلِّغِ الْعَالِيَ بِكَمَالِهِ كَشَفِ الدُّجَى بِجَمَالِهِ / حَسَنَتِ جَمِيعِ خَصَالِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ

قلمرو زبانی: بلیغ: رسید / العلی: مرتبه بالا / کشف: برطرف کرد / الدجی: تاریکی / حسنت: نیکو است / خصال: جمع خصلت، خوی‌ها / صلوات: درود بفرستید.

قلمرو ادبی: کمال و جمال: جناس ناهمسان / کماله و جمال: سجع
قلمرو فکری: به واسطه کمال خود به مقام بلند رسید و با جمال نورانی خود تاریکی‌ها را کنار زد. همه صفات و خصلت‌های او زیباست بر او و خاندانش درود بفرستید.

مفهوم بیان عظمت پیامبر

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح، کشتیبان؟

قلمرو زبانی: پشتیبان: حامی، چوبی که به جهت استحکام بر دیوار نصب کنند / کشتیبان: ناخدا/ بعد از «چه غم» و «چه باک» فعل «است» به قرینه معنایی حذف شده است.

قلمرو ادبی: دیوار امت: اضافه تشبیهی / تلمیح به داستان کشتی نوح / موج، بحر، کشتیبان: مراعات نظیر/ بیت اسلوب معادله دارد/ ایهام تناسب: پشتیبان با دیوار / «چه غم و چه کم؟»: استفهام انکاری

نکته

استفهام انکاری آرایه ادبی نیست بلکه مربوط به یکی از نکات قلمرو ادبی (بحث علم معانی) است.

قلمرو فکری: ای پیامبر، پیروان تو هیچ غمی ندارند چون پشتیبانی مثل تو دارند همان‌طور که امت نوح به خاطر داشتن نوح که کشتی را هدایت می‌کرد از امواج دریای طوفانی ترسی نداشتند.

هر گه که یکی از بندگان گنهگار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جل و علا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند...

هرگاه که یکی از بندگان گناهکار آشفته‌حال، دست توبه به امید قبولی به درگاه خداوند بلندمرتبه و بزرگ بردارد خداوند بلندمرتبه به او توجه نمی‌کند... (دست انابت: اضافه اقترانی یعنی دستی که به نشانه توبه بالا رفته است).

بازش بخواند: دوباره خدا را فرامی‌خواند و دعا می‌کند.

باز اعراض کند: دوباره خداوند از او روی برمی‌گرداند.

بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند: دوباره خداوند را با التماس و زاری صدا می‌زند.

حق سبحانه و تعالی فرماید: خداوند پاک و بلندمرتبه می‌فرماید:

یا ملائکتی قد استحييت من عبدی: ای فرشتگان من! من از بنده‌ام خجالت می‌کشم.

و لیس له غیری: و او جز من کسی را ندارد.

فقد غفرت له: پس او را آمرزیدم.

کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار

قلمرو زبانی: در مصراع اول: نوع «و» عطف است. کرم و لطف خداوند را ببین / در مصراع دوم نوع «و» ربط است بین دو جمله آمده است / «است» در مصراع دوم به قرینه معنایی حذف شده است.

قلمرو ادبی: کرم و لطف: مراعات نظیر / تلمیح به «یا ملائکتی قد استحييت من عبدی...»

مفهوم لطف و بزرگواری خداوند

عاکفان کعبه جلالتش به تقصیر عبادت معترف که ما عبدناک حق عبادتک، و واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که ما عرفناک حق معرفتک.

قلمرو زبانی: عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مسجد و در یک گوشه خلوت برای مدتی به عبادت مشغول هستند/ معترف: اعتراف کننده، کسی که به موضوعی اقرار می‌کند./ واصفان جمع واصف: توصیف کننده/ حلیه: زیور، زینت

قلمرو ادبی: کعبه، عاکف و عبادت: مراعات نظیر / جلال و جمال: جناس / «ما عبدناک...» ما عرفناک...: تضمین حدیث پیامبر/ حلیه جمال: اضافه تشبیهی
قلمرو فکری: گوشه‌نشینان بارگاه باشکوه الهی به کوتاهی در عبادت اعتراف می‌کنند که آن چنان که سزاوار توست تو را عبادت نکردیم و ستایش‌کنندگان زیور جمال الهی به سرگشتگی و حیرانی منسوب هستند و زبان حالشان این است که آن چنان که سزاوار شناخت توست تو را شناختیم.

گر کسی وصف او زمن پرسد بی دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

قلمرو زبانی: بی‌دل: عاشق و دل‌داده/ بی‌نشان: خداوند/ گوید باز: باز گوید: فعل پیشوندی
قلمرو ادبی: تلمیح به: ان الله لا یوصف و لا یدرک/ بی‌دل: کنایه از عاشق/ بی‌نشان: کنایه از خداوند/ استفهام انکاری
قلمرو فکری: اگر کسی وصف خداوند را از من بپرسد من عاشق دل‌داده نمی‌توانم از معشوق بی‌نشان چیزی بگویم.

خواست به مفاهیم هست دیگه، مگه نه؟

مفهوم ناتوانی در توصیف عظمت خداوند / مصراع دوم به مقام حیرت اشاره دارد.

عاشقان کشتگان معشوق‌اند بر نیاید ز کشتگان آواز

قلمرو ادبی: واج آرای «ش» / اشتقاق بین عاشق و معشوق / تلمیح به حدیث: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كُلَّ لِسَانُهُ: هرکسی که خداوند را بشناسد زبانش لال می‌شود. / کشتگان: تکرار آواز: مجاز از سخن

قلمرو فکری: عاشقان واقعی در برابر معشوق همچون کشتگان هستند که از خود اختیار ندارند و همچنان که کشتگان، سخن نمی‌گویند عاشق هم چیزی از رازها نمی‌گوید؛ گویی لال است.

مفهوم تأکید بر رازداری در عشق و فنا شدن در راه معشوق / مصراع دوم به مقام رضا و فناء فی الله اشاره دارد.

تناسب مفهومی دارد با:

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کآن سوخته را جان شد و آواز نیامد

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده، آن گه که از این معامله باز آمد یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟

قلمرو زبانی: صاحب‌دل: عارف/ جیب: گریبان، یقه/ مراقبت: در اصطلاح عرفانی کمال توجه بنده به حق و یقین بر این که خداوند او را می‌بیند؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق / مکاشفت: پی بردن به حقایق / مستغرق: غرق شده/ معامله: احکام و عبادت شرعی در متن درس منظور همان مراقبت و مکاشفت است/ انبساط: گشاده‌رویی، خودمانی شدن/ تحفه: هدیه/ باز آمد: فعل پیشوندی / «را» در «ما را»: حرف اضافه به معنی «برای»/ جیب مراقبت: اضافه اقترانی

کارگاه متن پژوهی، اسمش روشه؛ «پژوهش در مورد متن» و سه بخش داره:

۱- قلمرو زبانی ۲- قلمرو ادبی ۳- قلمرو فکری

قلمرو زبانی در مورد معنی واژه‌ها، املا و نوشتن شکل درست واژه‌ها و نکات دستوری مثل نقش واژه‌ها، جمله‌های هسته و وابسته، انواع حذف و... ازت می‌پرسه و خیلی مهمه. قلمرو ادبی که مشخصه، یعنی می‌خواه ببینه از ساختار ادبی متن درس چه چیزایی یادگرفتی و چی تو یادت مونده، تو قسمت قلمرو فکری با مفاهیم سروکار داری «یافته می‌گفتم حواست به این قسمتی که به جور خاص برات مشخص کردم باشه؟» برای اینجا بود. قلمرو فکری کلاً می‌خواه ببینه چی از اصل مطلب گرفتی! همون قسمتی که طراحای امتحان نهایی هم عاشقش هستن.

قلمرو زبانی

۱- جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

معنا	واژه معادل
دارای نشان پیامبری	وسیم
شادی بخش	مفرح
به خدای تعالی بازگشتن	انابت
قطع کردن مقرری	وظیفه روزی بریدن

۲- سه واژه در متن درس بیابید که هم آوای آن‌ها در زبان فارسی وجود دارد.

● حیات: زندگی، حیاط: محوطه / قربت: نزدیکی، غربت: دوری / بحر: دریا، بهر: به خاطر / منسوب: نسبت داده شده، منصوب: نصب شده

۳- از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

● «ح»: مفرح، تحفه، حلیه / «ق»: باسق، قسیم، مستغرق / «ع»: اعراض، تضرع، خلعت

۴- در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.

بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

● «م» در بوی گلم: نقش مفعول (بوی گل مرا مست کرد)

● «م» در دامنم: مضاف الیه: دامن از دستم برفت.

۵- در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید. طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت: (است) به قرینه لفظی حذف شده است.

● کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار (در مصراع دوم بعد از شرمسار فعل «است» به قرینه معنوی حذف شده است.

● وقت کن به این مورد که «است» در عبارت «کرده است» فعل معین بوده و نشانه

ماضی نقلی

قلمرو ادبی

۱- واژه‌های مشخص شده، نماد چه مفاهیمی هستند؟

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه پیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

● مرغ سحر: نماد عاشق مدعی و غیر حقیقی پروانه: نماد عاشق واقعی

۲- با توجه به عبارت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

● باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

● فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهده زمین بپرورد.

قلمرو ادبی: سر به جیب مراقبت فرو بردن: کنایه از تفکر عارفانه / بوستان: استعاره از

معرفت الهی / بحر مکاشفت: اضافه تشبیهی / بحر و مستغرق: مراعات نظیر

قلمرو فکری: یکی از عارفان در حالت تفکر عارفانه بود و در دریای کشف و شهود

حقایق الهی غرق شده بود. وقتی از این حالت عرفانی بیرون آمد یکی از دوستان با

گشاده رویی گفت: از این عالم معرفت و کشف و شهود الهی که در آن بودی برای ما

چه هدیه ارزشمندی آوردی؟

گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

قلمرو زبانی: «را» در هدیه اصحاب را: حرف اضافه در معنی «به عنوان» / «م» در بوی

گلم: ضمیر در نقش مفعول / «م» در دامنم از دست برفت: جهش ضمیر دارد و نقش

مضاف الیه: دامن از دست من برفت.

قلمرو ادبی: درخت گل: استعاره از عشق و معرفت الهی / بوی گل: جلوه جمال الهی /

دامن از دست رفتن: کنایه از بی اختیار شدن / مست و دست: جناس ناهمسان / واج آرایی

صامت «س»

قلمرو فکری: گفت: در نظر داشتم که وقتی به درخت معارف الهی رسیدم دامنی از

مشاهدات اسرار الهی (عشق) را به عنوان هدیه برای یاران بیاورم؛ اما زمانی که به گلزار

معارف الهی رسیدم جلوه جمال الهی آن چنان مرا از خود بی خود کرد که اختیارم را

از دست دادم.

ای مرغ سحر عشق ز پروانه پیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

قلمرو زبانی: مرغ سحر: منادا / «را» در «آن سوخته را جان شد»: فک اضافه: جان

آن سوخته رفت (جان: هسته، آن: صفت مضاف الیه، سوخته: مضاف الیه) / شد: (غیر

اسنادی به معنای رفت)

قلمرو ادبی: مرغ سحر: نماد عاشق غیر حقیقی / پروانه: نماد عاشق واقعی / مرغ سحر:

استعاره و تشخیص / آن سوخته: کنایه از عاشق / جان شد: کنایه از مردن / مرغ، پروانه،

عشق و سوخته: مراعات نظیر / آواز نیامدن: کنایه از اعتراض نکردن / تلمیح: به حدیث

من عرف الله کل لسانه

قلمرو فکری: ای بلبل، عشق واقعی را از پروانه یاد بگیر زیرا در راه معشوقش جان خود

را از دست می‌دهد و اعتراض هم نمی‌کند.

● مفهوم عاشق واقعی فداکار و بی ادعا است / مصراع دوم به مقام رضا اشاره دارد.

این مدعیان در طلبش بی خبراند کان را که خبر شد خبری باز نیامد

قلمرو ادبی: خبر: تکرار / خبر شدن: کنایه از شناختن خدا / خبر باز نیامدن: کنایه از

فانی شدن در راه خدا / تلمیح به حدیث «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانُهُ»

قلمرو فکری: کسانی که ادعای شناخت خدا را دارند از خدا غافل هستند چون کسی

که خدا را بشناسد دیگر توان سخن گفتن پیرامون آن اسرار را نخواهد داشت و در

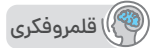
راه عشق فنا می‌شود.

● مفهوم نکوهش مدعیان عشق و توصیه بر رازداری و سکوت در عرفان /

مصراع دوم به مقام فنای فی الله اشاره دارد

الف) آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید: تشبیه و سجع

ب) قسمت مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟ استعاره مصرّحه از سبزه‌ها



۱- معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عبدناک حقّ عبادتک.

● گوشه‌نشینان بارگاه باشکوه الهی به کوتاهی در عبادت اعتراف می‌کنند و زبان حالشان این است که آن‌چنان که سزاوار توست تو را عبادت نکرده‌ایم.
● مفهوم: ناتوانی در پرستش شایسته خداوند.

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.
● یکی از عارفان در حالت تفکر عارفانه بود و در دریای کشف و شهود حقایق الهی غرق شده بود.

● مفهوم: پی‌بردن به حقایق عرفانی

۲- مفهوم کلی مصراع‌های مشخص شده را بنویسید.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

● نکوهش غفلت از یاد خدا و لزوم سپاسگزاری از نعمت‌های الهی.

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟

● آرامش امت با تکیه بر پیامبر اعظم.

گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

● تأکید بر رازداری در عشق و تحجیر عارفانه

۳- از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی بر کشد/ وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

● واصفان حلیهٔ جمالش به تحجیر منسوب که: «ما عرفناک حق معرفتک».

● گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی‌نشان چه گوید باز

گنج حکمت گمان

کلّیل و درمنه: اصل این کتاب به سانسکریت هندی است و نصرالله منشی در قرن

ششم به نثر مسجع ترجمه کرده است.

نکته: از این قسمت، یعنی گنج حکمت‌ها، سؤال آرایه و دستور زبان طرح نمی‌شود.

معنی واژه، املا، تاریخ ادبیات و مفهوم مهم است.

گویند بطنی در آب روشنایی ستاره می‌دید، پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید فرو گذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی گمان بردی که همان روشنایی است. قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.

کلّیل و درمنه، ترجمه نصرالله منشی

قلمرو زبانی: بط: مرغابی/ پنداشت: گمان کرد/ حاصل: نتیجه/ فرو گذاشت: رها کرد.

قلمرو فکری: نقل کرده‌اند که مرغابی‌ای در آب تصویر ستاره را می‌دید. گمان کرد که ماهی است؛ می‌خواست آن را بگیرد اما چیزی به دست نمی‌آورد. چون بارها تلاش کرد و نتیجه‌ای ندید آن را رها کرد. روز دیگر هر زمان که ماهی می‌دید فکر می‌کرد همان تصویر ستاره است؛ بنابراین قصد گرفتن ماهی را نمی‌کرد و نتیجهٔ این تجربه آن بود که تمام روز گرسنه باقی ماند.

● مفهوم کلی: فرجام نامطلوب گمان باطل

نکته طلایی دستوری

جهش ضمیر یا جابه‌جایی ضمیر: گاهی در شعر و نثر براساس ضرورت شعری یا آهنگ کلام جای ضمائر متصل تغییر می‌کند.

● نکته: بهترین راه شناخت نقش جهش ضمیر معنی کردن آن است

● مثال: از سر درافتاد کلاه: (کلاه از سر تو افتاد) مضاف‌الیه

پدر ناگهانم بمالید گوش: (پدر ناگهان، گوشم را مالید) مضاف‌الیه

● دقت کنیم:

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود/ از گوشه‌ای برون آی ای کوكب هدایت
(در این شب سیاه راه مقصودم گم گشت (م) بایست به مقصود اضافه شود نه به صفت و مضاف‌الیه است)

در نثر سعدی: بوی گلم چنان مست کرد. بوی گل چنان مستم کرد.

«م» در نقش مفعول و «مست» در نقش مسند «م» می‌بایست به مسند اضافه شود.

اضافه اقترانی: یک ترکیب اضافی است که بین مضاف و مضاف‌الیه نوع رابطه مقارنت و نزدیکی وجود دارد. ● مثال: دست ادب، دست انابت، دندان طمع

● در اضافهٔ اقترانی معمولاً مضاف اجزای بدن است و برای شناسایی آن می‌توانیم بین مضاف و مضاف‌الیه واژهٔ (به نشانه) یا (از روی) بیاوریم.

● دست ادب: دست به نشانهٔ ادب

نکته طلایی آرایه

اضافه تشبیهی: تشبیهی که در آن «مشبه و مشبه‌به» به هم اضافه‌شده باشند و یا ادعا کردن مضاف‌الیه شبیه به مضاف و یا مضاف شبیه به مضاف‌الیه مانند سیل اشک (مشبه: اشک مشبه‌به: سیل) لب لعل (مشبه: لب مشبه به لعل)
● نکته: در اضافهٔ تشبیهی معمولاً مشبه به بر مشبه مقدم می‌شود.

مثال در درس: باران رحمت؛ خوان نعمت؛ فراش باد صبا

استعاره: همان تشبیه است با این تفاوت که در استعاره یکطرف تشبیه (مشبه یا مشبه به ذکر نمی‌شود).

مثال در درس: فرش زمرّدین؛ استعاره از زمین سبز (استعاره مصرّحه: ذکر مشبه به)

● مثال: به صحرا شدم عشق باریده بود. (استعاره مکنیه: ذکر مشبه)

● نکته: همهٔ تشخیص‌ها استعاره هستند.

● نکته: تفاوت اضافهٔ تشبیهی با اضافهٔ استعاری: در اضافهٔ تشبیهی کل، به کل اضافه می‌شود اما در اضافهٔ استعاری جزء به کل

● مثال: باغ عشق: باغ کل است. دروازه عشق: دروازه جزئی از باغ است.

● توجه: در اضافهٔ استعاری می‌گوییم مضاف برای مضاف‌الیه وجود خارجی ندارد.

● مثال: خندهٔ گل ← گل خنده نمی‌کند.

دست روزگار ← روزگار دست ندارد.

نماد یا نشانه: نویسندگان و شاعران در دنیای خیالی خود به پدیده‌های هستی شخصیت انسانی می‌دهند و به صورت رمزی و نمادین سخن و پیام خود را بیان می‌کنند.

● نکته: در نماد یک اسم به‌جای یک ویژگی می‌آید.

● مثال: کبوتر سفید: نماد صلح شیر: نماد شجاعت

● مثال: مرغ سحر: عاشق ظاهری پروانه: عاشق واقعی



درک و دریافت

۱- برای خوانش این شعر، چه نوع آهنگ و لحنی را برمی‌گزینید؟ دلیل خود را بنویسید.

لحن تعلیمی/زیرا این لحن با آهنگی آرام برای مفاهیم اندرزی و تعلیم مباحث مختلف از جمله مباحث عرفانی و اجتماعی مناسب است.

۲- مفهوم مشترک هر یک از گروه بیت‌های زیر را بیان کنید.

(الف) بیت‌های سوم و پنجم: عشق به خداوند، وجود بی‌ارزش انسان را ارزشمند می‌سازد.
(ب) بیت‌های ششم و نهم: توکل و عشق به خداوند سبب آرامش خاطر است و کسی که وجودش با وجود خداوند یکی می‌شود از هیچ چیزی نمی‌ترسد.

ایستگاه املا (واژگان مهم املائی درس اینجاست)

محاسب - افتان و خیزان - قاضی - داروغه - از بهر غرامت - صواب (درست) - تزویر - غریق بحر خدا - ذوالجلال

حالاً رسیدیم به نمونه سؤالاتی که به عنوان به معلم با سابقه درس می‌زنم که احتمالاً تو امتحان نهایی بیاد پس اینجا برات آوردم تا آمادگی لازم رو داشته باشی. در ضمن لایه این سؤالات، سؤالاتی نهایی سال‌های قبل هم هست؛ کنار اون سؤالاتی که به نظرت چالشی هستن، می‌تونن برای خودت علامت بزنی و با استفاده از علامت زدن اونا بگردی و تو یک فرصت مناسب‌تر، با دقت و حوصله بیشتری بهشون جواب بدی.

سؤالات امتحان نهایی و احتمالی درس یکم

گرت پایداری است در کارها شود سهل پیش تو دشوارها
ملک الشعرا ی بهار

قلمرو یانی

۱- در بیت «شفیع مطاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم و سیم» معادل معنایی کدام یک از واژگان زیر دیده نمی‌شود؟ (احتمالی)

(الف) خوشبو (ب) خوش اندام (ج) فرمان‌بر (د) بخشنده

۲- با توجه به بیت «شفیع مطاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم و سیم»، یک معادل معنایی برای واژه «صاحب جمال» مشخص کنید. (شبه نهایی ۱۴۰۳ عصر)

۳- در متن زیر کدام اصطلاح، مفهوم «نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق» را دربر دارد؟ یکی از صاحب‌دلان، سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

۴- در بیت زیر، معنی واژه مشخص شده را بنویسید. (احتمالی)

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

۵- در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «شادی» بیابید. (خرندماه ۱۴۰۱)

«همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

۶- با توجه به عبارت زیر، واژه‌های درست املائی درون کمانک را انتخاب کنید.

(الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان (حلیه - هلیه) جمالش به تحیر (منسوب - منسوب) (شبه نهایی ۱۴۰۳)

(ب) گفت تا (داروغه - داروقه) را گویم در مسجد بخواب.

(ج) تو نماینده فضلای تو سزاوار (سنایی - ثنایی)

(د) حسن بر خوبان (قرامت - غرامت) می‌کند.

۷- در گروه کلمات زیر چند واژه از نظر املائی نادرست است؟ (احتمالی)

مزید نعمت - مفرح ذات - خلعت نوروزی - عصاۀ تاک - شهد فایغ - نخل باسق - دست عنابت - عاکفان کعبه - واصفان هلیه - طریق انبساط

(الف) یک (ب) دو (ج) سه (د) چهار

۸- در کدام یک از گزینه‌های زیر غلط املائی وجود دارد؟ درست آن را بنویسید. (خرندماه ۱۴۰۳)

(الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب.

(ب) سرور کاینات و مفرح موجودات و رحمت عالمیان و سفوت آدمیان و تنمۀ دور زمان

۹- در کدام گزینه، غلط املائی وجود ندارد؟ (احتمالی)

(الف) هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیاط است و چون برمی‌آید مفرح ذات. (ج) گفت از بحر غرامت جامهات بیرون کنم.

(ب) درختان را به خلعت نوروزی، قبا سبز ورق در برگرفته. (د) نتوان شبح تو گفتن که تو در وهم نیایی.

۱۰- نقش ضمیر پیوسته «ت» در مصراع «گفت: آگه نیستی کز سر درافتادت کلاه» با کدام واژه در بیت زیر یکسان است؟ نقش دستوری آن را بنویسید. (احتمالی)

«گفت: تا داروغه را گویم در مسجد بخواب گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»

سؤالات امتحان درس: فارسی (۳)	تاریخ امتحان:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۷:۳۰
نام و نام خانوادگی:	کلیه رشته‌ها	تعداد صفحه: ۴	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه
سؤالات احتمالی و امتحانی نوبت اول (۱)			

ردیف	سؤالات	نمره
	الف) قلمرو زبانی (۷ نمره)	
۱	معنی واژه مشخص شده در بیت «آن کسی را که در این مُلک سلیمان کردیم/ ملت امروز یقین کرد که او اَهرَمَن است» با کدام واژه در ابیات زیر یکسان است؟ تا واره‌ی از دم ستوران با شیر سپهر بسته پیمان وین مردم نحس دیومانند با اختر سعد کرده پیوند	۰/۲۵
۲	در کدام گزینه، واژه‌ای نادرست معنی شده است؟ درست آن را بنویسید. الف) داروغه: شب‌گرد، بط: مرغابی، تتمه: باقی‌مانده ب) مسلک: روش، بُنا: توانا، مشایعت: همراهی	۰/۲۵
۳	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. هر نفسی که فرومی‌رود مَمَد حیات است.	۰/۲۵
۴	در کدام یک از گزینه‌های زیر، معنی واژه مشخص شده، نادرست است. درست آن را بنویسید. الف) باز زین و برگ را بر گرده کهرها و گرندها نهادند و سرگرم تاخت‌وتاز شدند. (اسبی که رنگ آن میان زرد و بور باشد). ب) از بیم عقرب جزّاره دموکراسی قرن بیستم، به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه بُرد. (خوش خط و خال)	۰/۲۵
۵	املاّی درست واژه‌ها را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) تخم خرمایی به تربیتش نخل (باسق - باسق) گشته. ب) هر کدام یک (تبق - طبق) پر از خاک کرده‌اند و در اینجا ریخته‌اند. ج) من آن شب پس از گشت و (گزار - گذار) در گردشگاه آسمان، تماشاخانه شگفت مردم کویر، فرود آمدم.	۰/۷۵
۶	در کدام گزینه، نادرستی املاّیی وجود دارد؟ صحیح آن را بنویسید. الف) جزیره‌های بزرگ و کوچک، مثل وصله‌های رنگارنگ بر طیلسان آبی مدیترانه دوخته شده‌است. ب) دشمن عن غریب است که توی این دشت وسیع، عملیات کند.	۰/۵
۷	در کدام گزینه غلط املاّیی دیده نمی‌شود؟ الف) پادشاهی به درویشی گفت که مرا آن لحظه که تو را به درگاه حق، تجلی و غرب باشد، یاد کن. ب) تن ز جان و جان ز تن مسطور نیست. ج) همه به هم ذل زدیم و در میان بهت و حیرت اسیر دشمن، همراه با حاجی، از ته دل خندیدیم. د) ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند، باز اعراض کند بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.	۰/۲۵
۸	در گروه کلمات زیر، دو نادرستی املاّیی به کار رفته‌است، درست آن‌ها را بنویسید. سفوت آدمیان - مفرّح ذات - استقرار صلاح - شیر ارغند - اژدهای گرز - غایت محبّت	۰/۵
۹	درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید. الف) در متن «ریشه‌های ما به آب/ شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد/ ما دوباره سبز می‌شویم.» حذف به قرینه معنایی وجود دارد. ب) در بیت «فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش/ بنمایید که هر کس نکند مثل من است» سه ترکیب اضافی وجود دارد. ج) در مصراع «گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست» فعل «نیست»، غیراسنادی است.	۰/۷۵
۱۰	نوع حرف ربط در کدام گزینه متفاوت است؟ الف) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب ب) گر آتش عشق نهفته داری ج) انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی تا شد تهی از خویش و نیش نام نهادند سوزد جانّت به جانّت سوگند چون فرّخی موافق ثابت قدم نداشت	۰/۲۵

سؤالات امتحان درس: فارسی (۳)	تاریخ امتحان:	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۷:۳۰
نام و نام خانوادگی:	کلیه رشته‌ها	تعداد صفحه: ۳	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه
سؤالات احتمالی و امتحانی نوبت اول (۲)			

ردیف	سؤالات	نمره				
	الف) معنی واژه: (۱نمره)					
۱	با توجه به عبارت زیر، برای واژه داخل جدول، یک «معادل معنایی» بنویسید. در اولین دقایق صبح، احداث این خاکریز هشت نه کیلومتری به پایان رسید.	۰/۲۵				
	<table><tr><td>معنا</td><td>واژه جدول</td></tr><tr><td>ساخته شدن</td><td></td></tr></table>	معنا	واژه جدول	ساخته شدن		
معنا	واژه جدول					
ساخته شدن						
۲	معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) بر طیلسان آبی مدیترانه دوخته شده‌است. ب) چشمه آب سردی که در نَمُوز سوزان کویر از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید.	۰/۵				
۳	معنای کدام واژه نادرست است . □ (۱) تاب: فروغ □ (۲) تداعی: خاطره □ (۳) وهم: تصور □ (۴) سعد: خوشبختی	۰/۲۵				
	ب) املائی واژه: (۲نمره)					
۴	در هریک از ابیات و عبارات زیر، کدام واژه داخل کمانک از نظر املائی درست است. الف) برجسته‌ترین شاگرد (حوزه - حوضه) ادیب بزرگ بود . ب) تن از جان و جان ز تن (مستور - مسطور) نیست.	۰/۵				
۵	در هریک از موارد زیر، شکل درست واژه‌های نادرست املائی را بنویسید . الف) پس عشق از بحر این معنی، فرض راه آمد . ب) عصارة تا کی به قدرت او شهید فایغ شده ج) از بیم عقرب جزاره دموکراسی قرن بیستم، به مار قاشیة حکومت سرهنگ‌ها پناه برد .	۰/۷۵				
۶	در بین کلمات مقابل، کدام واژه اهمیت املائی دارد؟ □ (۱) دماوند □ (۲) کیمیا □ (۳) استعباد □ (۴) روی	۰/۲۵				
۷	در گروه کلمه‌های زیر، شکل درست موارد نادرست املائی را بنویسید . (سوءِ هاضمه - مأوا و پناهگاه - سزاوار سنایی - تریاق و پادزهر - ضمد و مرحم - بزم و - تلقی و تعبیر)	۰/۵				
	پ) دستور: (۴نمره)					
۸	نقش تبعی به کار رفته در عبارت «نامه را معلم کلاس سوم برایم نوشته بود: به یاد گذشته‌ها و خاطرات پاریز» را نشان دهید .	۰/۲۵				
۹	با توجه به دو گروه اسمی مقابل، جدول را کامل کنید . الف) قلب آن کویر ب) صحنه میدانک خود	۰/۵				
	<table><tr><td>مضاف الیه مضاف الیه</td><td>صفت مضاف الیه</td></tr><tr><td></td><td></td></tr></table>	مضاف الیه مضاف الیه	صفت مضاف الیه			
مضاف الیه مضاف الیه	صفت مضاف الیه					
۱۰	بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه عادی (=فارسی معیار) برگردانید . پنهان مکن آتش درون را زین سوخته جان، شنو یکی پند	۰/۵				
۱۱	در بیت «بندۀ همان به که ز تقصیر خویش	۰/۵				
۱۲	درستی یا نادرستی موارد زیر را تعیین کنید . ۱- در گروه اسمی «مشت درشت روزگار» واژه «مشت» هسته است. () ۲- ترکیب «مردم خردمند» وصفی و ترکیب «بی خردان سفله» اضافی است. ()	۰/۵				
۱۳	نقش دستوری واژه‌های زیر را مشخص کنید . الف) درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد / من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم ب) عشق حقیقی دل و جان را پاک می گرداند .	۰/۷۵				

۴۹- حافظ

۵۰- راه دشوار و پر از سختی عشق

۵۱- معشوق را همواره جوان و زیبا می‌بیند و گذر زمان و پیری برای عشق جاودانی مهم نیست.

۵۲- اهمیت زبان ملی و تلاش برای حفظ آن.

۵۳- بیان میزان عشق و شیفتگی عاشق - ویژگی‌های ارزشمند معشوق توصیف‌ناپذیری عشق

۵۴- عشق قدیم را هر چه قدر قدیمی باشد، کهنه و بی‌ارزش نمی‌شمارد یا همواره معشوق را جوان می‌بیند.

۵۵- روح راستگوی عاشق، هر چه را که در ذهن انسان می‌گنجد، برای معشوق ترسیم کرده است.

۵۶- عشق تکراری نیست.

۵۷- شاعر عشق خود را با تازه‌ترین تعبیر بیان کرده است - توصیف‌ناپذیری عشق ۵۸- (ب) جاودانگی و تقدس عشق

۵۹- پیری برای عشق جاودانی مهم نیست - به ظواهر اهمیتی نمی‌دهد - همیشه معشوق را جوان می‌بیند - به عیب‌های ظاهری معشوق توجهی نمی‌کند.

۶۰- عاشق همیشه معشوق را جوان می‌بیند.

به عیب‌های ظاهری معشوق توجهی نمی‌کند.

۶۱- (الف) درست (ب) نادرست

۶۲- پاسداری از زبان ملی

۶۳- زندگی بدون عشق برابر با مرگ است.

۶۴- (الف) اگر غذا و هوا (خوردن و نفس کشیدن) را از من بگیری مهم نیست؛ شادی و خنده‌ها را از من بگیر.

(ب) بخند زیرا خنده و شادمانی تو، مانند شمشیری بر کشیده در دستان من است.

(شادی تو به من توان مبارزه می‌بخشد.)

(ج) اگر دیدی که من زخمی و در حال جان دادن هستم، تو شاد باش؛ زیرا

خنده تو برای دستان من مانند شمشیر بر کشیده‌ای است که به من توان مبارزه می‌بخشد.

(د) پرچم کشورم مرا دعوت می‌کند.

(ه) عاشق واقعی و ماندگار همیشه زیبایی‌های عشق اول و قدیم را، موضوع

کتاب یا دیوان شعر خود قرار می‌دهد.

(و) فکر و خیالی در ذهن انسان نمی‌گنجد که بتواند آن را بنویسد اما روح راستگو

و درست‌کردار من آن را برای تو، ای عشق جاودانی، به تصویر نکشیده باشد.

(ز) هر روز باید سخن یکسانی را تکرار کنم و آن این‌که: تو متعلق به من هستی

و من متعلق به تو هستم.

(ح) داستان عشق یک ماجرا بیشتر نیست؛ اما عجیب آن‌که آن را از هر کس

می‌شنوم، غیر تکراری است.

(ط) در این فکر فرو رفته بودم که دیدم مرا به اسم صدا زدند.

پاسخ نامه تشریحی آموزشی



امتحان احتمالی نوبت اول (۱)

قلمرو زبانی

۱- دیو (دیوماند)

۲- (ب) بُرنا: جوان

۳- ممد: مددکننده، یاری رساننده

۴- (ب) ماری بسیار خطرناک در دوزخ

۵- (الف) باسق

۶- (ب) عن قریب

۷- (د) ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند، باز اعراض کند بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.

۸- سفوت: صفوت

صلاح: صلاح

۹- (الف) نادرست (ب) نادرست (ج) درست

۱۰- (ج) انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی

چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت

توضیح: در این گزینه «ولی» حرف ربط هم‌پایه‌ساز است.

در گزینه «الف»، «تا» و در گزینه «ب»، «گر» حرف ربط وابسته‌ساز است.

۱۱- (ج) از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟

۱۲- (الف) معنایی (ب) نهاد

۱۳- این اساس تزویر را از پی بفکن (بیفکن).

۱۴- چنان- مسند

۱۵- «ت»: مضاف الیه عقل: نهاد

۱۶- نفس پیر مغان

توضیح: نفس: هسته، پیر: مضاف الیه، مغان: مضاف الیه مضاف الیه

۱۷- (الف) آن: صفت مضاف الیه دردمند: صفت مضاف الیه

قلمرو ادبی

۱۸- (ب) کلیله و دمنه

توضیح: این اثر ترجمه نصرالله منشی است.

۱۹- (الف) تمهیدات

۲۰- (الف) قصه شیرین فرهاد: احمد عربلو

(ب) فی حقیقه‌العشق: شهاب‌الدین سهروردی

۲۱- (د) تضاد

۲۲- پروانه نماد عاشق واقعی که از خطرات نمی‌هراسد.

۲۳- مشت: مشبّه به (مشبّه: تو)

۲۴- الف) آبی: مجاز (ب) بیت‌الحزن: تلمیح (ج) سموم سرد: متناقض‌نما

۲۵- الف) ایهام توضیح: بیدار ایهام دارد. (۱- خواب است ۲- آگاه نیست)

(ب) مجاز توضیح: جامعه مجاز از مردم جامعه

۲۶- سپید معجز: استعاره از برف روی قلّه دماوند

۲۷- ب) تا درد و ورم فرونشیند کافور بر آن ضمد کردند

دلیل: زیرا شاعر برای یک امر طبیعی (برف روی دماوند) یک علت غیرطبیعی

و البته زیبا ذکر کرده‌است. (در نگاه شاعر، علت برف این است که برای بهبود

درد و ورم کافور را به عنوان مرهم بر دماوند نهاده‌اند.)

۲۸- ای جویبار جاری زین سایه‌برگ مگریز

۲۹- ب) لیخند گاه‌گاهت صبح ستارمباران

۳۰- دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

قلمرو فکری

۳۱- الف) حیرت

۳۲- آسمان

۳۳- انسانی که درد فراق را چشیده باشد.

۳۴- ایل

۳۵- اشاره به رواج فساد و نابه‌سامانی در جامعه

۳۶- تمام وجودش، سرشار از نور خداوند می‌شود.

۳۷- علت تنفر حافظ از «واعظ» این است که واعظان آن زمان اهل تزویر و ریاکاری بودند.

۳۸- به سبب جلوه جمال الهی، از خودبی خود شده‌است.

۳۹- این دو بیت به رازداری عاشقان واقعی تأکید دارد.

(عاشقان واقعی خداوند، به مقام فنا می‌رسند.)

۴۰- الف) ۳ (ب) ۱

معنی و مفهوم

۴۱- روزی مقرر را به سبب انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

۴۲- روزگاری مردم دنیا تمام مرکز توجه‌شان به روم بود و از آن بیم داشتند.

۴۳- عشق در هر دلی جای نمی‌گیرد و به هر چشمی خودش را نشان نمی‌دهد.

(عشق، هرکسی را برای عاشقی انتخاب نمی‌کند.)

۴۴- از اینجا درختان قدیمی که سال‌های زیادی کنار هم هستند آب را تا باغ و مزرعه همراهی می‌کنند.

۴۵- محتسب گفت: پنهانی به من پولی بده و خودت را آزاد کن. (برای آزادی‌ات رشوه بده) مست گفت: مسائل دینی با رشوه حل نمی‌شود.

۴۶- نی و نغمه‌های آن همدم و مونس همه کسانی است که از یارشان جدا شده‌اند و درد هجران را چشیده‌اند. نغمه‌های نی برای کسی که جویای حقیقت است، حجاب‌ها را از میان برمی‌دارد (درمورد عاشقان غیر حقیقی رازهایشان را آشکار می‌کند.)

۴۷- هر ملت و کشوری که انسان‌های آگاه (شاعر خوب، نویسنده و اهل علم) نداشته‌باشد نام آن ملت از صفحه تاریخ و روزگار حذف می‌شود. (آن ملت گمنام باقی می‌ماند.)

۴۸- خشم درونی خودت را پنهان نکن و بیرون بریز و از این شاعر که دل و جان آزاده‌ای دارد این پند را بشنو.

امتحان احتمالی نوبت اول (۲)

۱- احداث

۲- الف) نوعی ردا، جامه بلند (ب) تیرماه، ماه گرما

۳- گزینه ۲ یا تداعی

۴- الف) حوزه (ب) مستور

۵- الف) بهر (ب) فایق (ج) غاشیه

۶- گزینه ۳ یا استعباد

۷- سزاوار ثنایی- ضمد و مرهم

۸- خاطرات (معطوف)

۹- الف) صفت مضاف الیه (ب) مضاف الیه مضاف الیه

۱۰- آتش درونت (خشم) را پنهان مکن، و از این شاعر دردمند پندی بشنو.

۱۱- حذف فعل «است» بنابر قرینه معنوی

۱۲- الف) درست (ب) نادرست

۱۳- الف) کس: مفعول - ناگزیر: مسند (ب) پاک: مسند

۱۴- نمی‌شود: مضارع اخباری - انداخته‌اند: ماضی نقلی

۱۵- الف) رای فک اضافه

(ب) دو فعل اسنادی، فعل «است» اسنادی دوم به قرینه معنوی حذف شده است و

۱۶- الف

۱۷- الف) ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز کاین گونه فرصت از کف دادند بی شماران

(ب) وجه خدا اگر شودت منظر نظر زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی

۱۸- الف) فی حقیقه‌العشق: سهرودی (ب) قصه شیرین فرهاد: احمد عربلو

۱۹- مولوی: فیه ما فیه شفیع کدکنی: مثل درخت، شب باران

۲۰- نی: نماد انسان آگاه یا مولانا جدایی: جدایی از عالم معنا یا بالا

۲۱- سجع و مراعات نظیر

۲۲- مناظره

۲۳- مشبّه: قلب

۲۴- دنیا: مجاز از مردم دنیا، روم: مجاز حاکمان روم، چشم داشتن: کنایه از توقع و انتظار داشتن، چشم زدن: کنایه از ترسیدن، روم و روز: جناس

۲۵- اسلوب معادله

۲۶- الف) تشبیه (ب) حسن تعلیل (ج) تلمیح (د) تشخیص

۲۷- الف) آن لباسی که به خاطر دفاع از وطن خونین نشود، ارزش آن کمتر از کفن و باعث ننگ و شرم است و بهتر است آن را پاره کنی.

(ب) تنها ماهی دریای حق است که از غوطه خوردن در دریای عشق و معرفت سیراب نمی‌شود. هرکس از عشق بی‌بهره باشد زود ملول و خسته می‌شود و روزگارش بی‌بهره سپری می‌شود.

مشخصات کتاب

سیگنال ۲۰ فارسی ۳
پایه دوازدهم - کلیه رشته ها

عنوان کتاب

پایه دوازدهم

گروه سنی

دکتر ثریا مومنی، علی اکبر رمضانی

مؤلفان

رحلی

قطع کتاب

۱۵۲

تعداد صفحات